بـا حمایت همکاران و حامیان مالی این برنامه - که خواهان ترویج ادبیات کودک و نوجوان ایران هستند - امکان‌پذیر شده است.» این خبر در حالی اعلام شـد که عضویت در کنوانسیون برن به‌عنوان اصلی‌ترین الزام برگزاری فلوشیپ مطرح می‌شود چراکه فلوشیپ محلی برای فروش رایت کتاب اسـت و ناشران درباره خریدوفروش رایت سخن خواهند گفت.

حاشـیه اصلی برگـزاری این رویـداد اما، حضـور آژانس ادبی و ترجمـه اینتروتمـا از ترکیـه بود که چندین‌سـال اسـت برپایی فلوشـیپ ترکیه را برعهـده دارد. یکی از نگرانی‌های مطرح‌شـده درخصوص حضور این آژانس ادبی به اختیارات تفویض‌شده به آن و احتمال در انحصار گرفتن تبادل رایت کتاب‌های ناشـران ایرانی برمی‌گشت. نگرانی‌هایی که ابرهیم حیدری نیز درخصوص آن به بیان توضیحاتی پرداخت و گفـت، حضور آژانس ادبی ترک حالت تبلیغاتی دارد. او با اشاره به این‌که به‌خاطر شرایط خاص کشورمان معذوریت‌هایی در زمینه تبلیغات داریم و باتوجه به تبادلات فرهنگی خوبی که با ترکیه داریم، می‌توانیم از ظرفیت‌های آن‌ها اسـتفاده کنیم تا کار تبلیغی و ترویجی انجام شـود تاکیـد کرد، همه کارها توسـط آژانس‌های داخلی و همین‌طور انجمن فرهنگی ناشـران کودک که تجربه خوبی در این زمینه دارند، انجام می‌شود. در کنار این توضیحات بسیاری نیز معتقدند، اگر این حضور مدیریت شود شـاید بتواند کمک‌کننده باشد و باید دید این رویداد چگونه برگزار می‌شود.

دوگانه ناشرِ راضی و کتابفروشِ ناراضی

«نمایشگاه کتاب متعلق به ناشـران است و هرکسی باید جای خودش بنشیند و به حق خودش قانع باشد.» این واکنش ابراهیم حیدری، قائم‌مقام و سخنگوی سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتـاب تهران به سـوال خبرنگاران در حاشـیه رونمایی از پوسـتر نمایشگاه در مورد حذف کتابفروشی‌ها از این رویداد بود. او تغییر وضعیت حضور کتاب‌فروشی‌ها در نمایشگاه را امری بنا بر اقتضای زمانه دانست و گفت: «پیش از این شورای سیاست‌گذاری تصمیم گرفته بود کتابفروشان در نمایشگاه حضور داشته باشند، امروز هم شورای سیاست‌گذاری تصمیم گرفته است کتابفروشی‌ها حضور نداشته باشند؛ هم به‌دلایل فنی و اجرایی، هم به‌دلیل سیاست‌ها و رویکردهایی که در دسـتور کار قرار دارد.» اگرچه حیدری معتقد اسـت، حضور کتابفروشی‌ها در نمایشـگاه کتاب با آیین‌نامه این رویداد در تعارض اسـت اما اعتراض کتابفروشی‌ها به عدم‌حضور در سی‌وششـمین دوره این رویداد از زمان طـرح زمزمه‌های این تصمیم، از اسـفندماه سـال گذشـته تاکنون یکی از پررنگ‌ترین حاشیه‌های آن را رقم زده است.

درمجموع فارغ از محق‌بودن ناشران یا کتابفروشان و استقبال یا اعتراض آن‌ها، آن‌چه این مسئله را به‌محل بحث و حتی پرخاشگری تبدیـل کرد، نبود عزمی برای اطلاع‌رسـانی و بیان شـفاف دلایل شورای سیاست‌گذاری هنگام اخذ چنین تصمیمی بود. تا جایی که می‌توان گفت، صدای کتابفروشـانی که ناشـر نیستند و تنها فروشـنده کتاب به‌شـمار می‌آیند برای در نظـر گرفتن تمهیدات حمایتی از جمله اهدای وام جهت برپایی نمایشـگاه‌های مجازی استانی کتاب، تنها با حضور کتابفروشان هر استان یا هدایت کردن بخشی از خرید نهادهای وابسته به وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی به سـمت کتابفروشـی‌ها برای جبران تبعات تصمیم گرفته‌شده، چندان به گوش نرسید. اگرچه می‌توان امیدوار بود، ارائه توضیحات بیشتر درخصوص علت اتخاذ این تصمیم و درخواست از رسانه‌ها برای کمک به تبیین و تشریح آن، بتواند درنهایت منجر به اتفاقاتی خجسته برای اهالی نشر و کتاب در نمایشگاه‌های آتی شود.

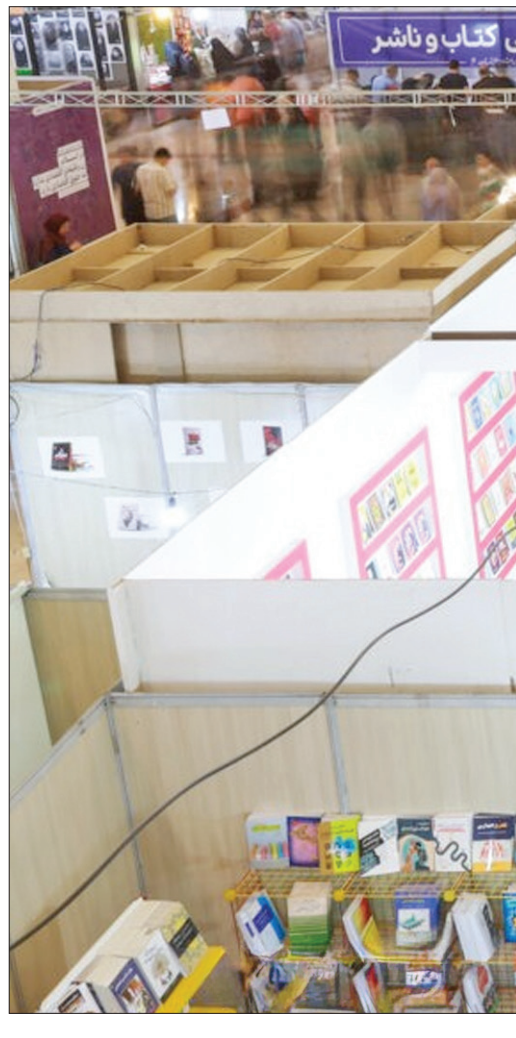

گزارش دو

رویدادی پخته اما با مشکلات همیشگی

سی‌وششمین دوره نمایشگاه کتاب تهران افتتاح شد و همچنان بسیاری از کارها در دقیقه ۹۰ انجام می‌شود

سوسن سیرجانی
خبرنگار گروه فرهنگ

سی‌وششمین نمایشـگاه بین‌المللی کتاب تهران افتتاح شد. امسـال اولین دوره برگزاری این رویداد فرهنگی در دولت چهاردهم است. نمایشگاه کتاب فارغ از همه حاشیه‌ها، اتفاق مهمی است که علاوه بر وزن فرهنگی که در جامعه ایجاد می‌کند، می‌تواند به حیات نشرهای کوچک هم کمک کند و از طرفی، محل سودآوری برای وزارت فرهنگ و ارشـاد اسلامی هم محسوب می‌شود. در تمام این سال‌ها مسائل صنفی و حاشیه‌هایی درباره برگزاری این نمایشگاه وجود داشته که کم‌وبیش به گوش مخاطب این رویداد هم رسیده. چند روز پیش از شروع برگزاری نمایشگاه با حسین جاوید، فعال حوزه نشر و صاحب انتشارات سده گفت‌وگو کردیم. اینکه چند روز مانده به افتتاح نمایشگاه هنوز برخی از مسائل حل نشده، همچنین در میان هیاهوی این رویداد فرهنگی و حضور نشـرهای بزرگ، یک انتشاراتی کوچک چطور می‌تواند به مسیر فرهنگی خود ادامه دهد، موضوعاتی است که به آن پرداختیم.

تغییری بزرگ از سوی دولت جدید

پس از شـیوع کرونا یعنی از اردیبهشـت‌ماه ۱۳۹۹، چرخه نشـر در ایران دچار تحولاتی شد. یکی از بزرگترین مسائل این بود که تا مدتی امکان برگزاری حضوری نمایشگاه وجود نداشت، بنابراین دولت تصمیم گرفت بخش مجازی را به نمایشگاه وارد کند. اما مسئله دیگر ضرر بزرگ به کتابفروشی‌ها در دوران کرونا بود. چون کتاب یک کالای ضروری نیسـت و ناخودآگاه مردم ترجیح می‌دادند در کتابفروشـی‌ها حضور پیدا نکنند. این اتفاق باعث شد که کتابفروشی‌ها هم به حاضران در نمایشگاه کتاب اضافه شـوند. حالا در دولت چهاردهم تصمیم گرفته شـده که این بخش از نمایشگاه حذف شـود. حسین جاوید در توضیح این مسـئله گفت: «به‌رغم تمام مخالفت‌هایی که وجود داشت، ارشاد کتابفروشی‌ها را هم بعد از کرونا وارد نمایشگاه کرد. این در حالی بود که یکی از قوانین مهم نمایشگاه همیشه این بود که اگر ناشری کتابی از انتشـارات دیگری را در غرفه‌اش می‌گذاشت، غرفه‌اش پلمب می‌شد یا به هیئت تخلفات معرفی‌اش می‌کردنـد. اما وقتی کتابفروش‌ها به جمع حاضران در نمایشگاه اضافه شدند، این اتفاق از سمت قشر معدودی از کتابفروشی‌های سودجو، شـرایطی را فراهم کرد که در آنها آبروی صنف را به بازی گرفتند و کتاب‌های افست و تقلبی می‌فروختند. یعنی در این شرایط کتابفروشی‌ها، کتاب همه انتشاراتی‌ها را می‌فروختند اما انتشاراتی‌ها اجازه نداشتند کتاب همدیگر را بفروشند. این تناقض آشـکاری با آیین‌نامه وزارت ارشاد داشـت». حالا با روی کار آمدن دولت چهاردهم تصمیم شورای سیاست‌گذاری نمایشـگاه بر این روند قرار گرفته که جلوی حضور کتابفروشی‌ها در نمایشگاه گرفته شود و از طریق دیگر این بخش از زنجیره تامین نشر را حمایت کنند. با توجه به گفته‌های این فعال نشر، انگار این تصمیم‌گیری کار را در صنف ناشران به اعتراض و حتی تهدید کشانده. اما شورای سیاست‌گذاری و وزارت ارشاد مقاومت کردند تا سنگ‌بنای اشتباهی که در دولت‌های قبلی گذاشته شده، تصحیح شود. جسین جاوید در ادامه اشاره به تغییرات نمایشگاه در دوره جدید به یک اتفاق خوب دیگر هم اشاره کرد و آن حمایت دولت از ناشران الکترونیک در نمایشگاه سی‌وششم است. طرحی نو که اگرچه دیر اما همگام با صنعت نشر در دنیاست و باید نتایج آن را در سال‌های بعد بررسی کرد.

روزهای پیش از شروع نمایشگاه کتاب

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از سـال ۱۳۶۶ شروع به‌کار کرده و حالا دیگر وارد سی‌وششمین دوره برگزاری‌اش شده؛ یک رویداد فرهنگی که دیگر به پختگی رسـیده؛ این موضوع در روش ثبت‌نام ناشـران برای حضور در این نمایشگاه قابل مشاهده است. از طرفی امسال به‌دلیل نبود حدس و گمان‌ها برای جابه‌جایی محل نمایشگاه مانند چندسال اخیر، انگار ناشران با خیال راحت‌تری به برگزاری این رویداد در مصلی تهران مطمئن بودند. اما چیزهایی هست که هر سال تکرار می‌شود و گاهی آزاردهنده اسـت. جاوید درباره روزهای پیش از شـروع نمایشگاه و روال همیشگی که وجود دارد، می‌گوید: «ما همیشـه اصطلاحاً دقیقه ۹۰ هستیم. هرسال همین داسـتان اسـت و ما هرچه اعتراض می‌کنیم، گوش شنوایی نیست. نمایشگاه ۱۷ اردیبهشت‌ماه شروع می‌شود. از پنج روز پیش از شروع نمایشگاه هنوز ناشران جای خودشان را نمی‌دانستند و غرفه‌سازی هم شروع نشده بود. البته همه می‌دانیم که تا روز شروع نمایشگاه بالاخره انجام می‌شود اما چرا باید همیشه همه‌چیز با عجله باشـد. در بسیاری از سال‌های برگزاری نمایشـگاه، روز اول بعد از افتتاحیه و حتی حضور رئیس‌جمهور و وزیر ارشاد، در سالن‌ها می‌بینیم که هنوز این‌طرف و آن‌طرف می‌دوند. یکی کارت‌خوانش قطع اسـت، یکی کتیبه‌اش نصب نشده و یکی هنوز دارد بار جابه‌جا می‌کند. این خیلی مناسب نمایشگاه نیست. اگر ارشاد با برنامه‌ریزی دقیق‌تری پیش برود، وقتی درهای نمایشگاه به روی مردم باز می‌شود، از همان ثانیه اول همه‌چیز مرتب خواهد بود.» البته بخشی از این ناهماهنگی‌ها به خود ناشران هم برمی‌گردد که تا روزهای دوم و سوم هنوز مشغول تجهیز غرفه‌های‌شان هستند. این فعال نشر در ادامه توضیح می‌دهد: «البته تنها ارشاد را نباید آماج انتقادات قرار داد، واقعیت این است که ۱۰ تا ۱۲ ارگان دولتی در نمایشگاه دخیل هستند و هماهنگی سخت است. اما به‌هرحال تا پنج روز مانده به افتتاح جشنواره هنوز هیچ‌کس غرفه خودش را نمی‌شناخت.»

چه کسانی از نمایشگاه جا می‌مانند

همیشـه بحث عدم‌حضور برخی ناشران در نمایشـگاه کتاب مطرح بوده؛ موضوعی که در سال‌های اخیر و به‌دلیل بروز برخی مسائل سیاسی و اجتماعی شـکل جدی‌تری هم به خـود گرفته. اما اینکه واقعاً چه ناشـرانی حق حضور در نمایشـگاه بین‌المللی کتاب را ندارند بیشـتر از اینکه یک موضوع سیاسی باشـد، مسئله‌ای صنفی است. یعنی تخلفات ناشران معمولاً آن‌ها را از حضور در این رویداد منع می‌کند. صاحب نشـر سـده ـ در توضیح این موضوع ـ این عدم‌حضور را به سه دسته تقسیم می‌کند: «برخی از ناشران خودشان تمایلی به حضور ندارند. مثلاً ناشـران بزرگی مثل نشر نی، نشر مرکز و نشر قطره. آنها معتقدند، برای حمایت از کتابفروشـی‌ها در نمایشـگاه حاضر نمی‌شـویم یا برخی دیگر معتقدند که توجیه اقتصادی ندارد. اما گروه دوم آنهایی هستند که تخلفاتی داشته‌اند. مثل فروش کتاب غیر، کپی، کتابسازی و... انتظار جامعه نشر هم این اسـت که این دسته حضور نداشته باشند. یک دسته کوچک هم شاید به‌دلایل سیاسی از حضور منع شوند، اما معمولاً خیلی به‌ندرت این اتفاق افتاده که ناشری را به‌دلایلی غیر از دلایل صنفی از حضور در نمایشگاه محروم کنند. البته در این میان بعضی از نشـرهای کوچک هم دوسـت دارند که این جنجال‌ها را به‌وجود بیاورند.»

ماجرای یارانه و بُن کتاب چیست

در همه این سال‌ها موضوعی مورد مناقشه درباره نشرهایی که در نمایشگاه حضور پیدا می‌کنند، وجود داشـته و آن یارانه و کمک‌هایی اسـت که از سوی وزارت ارشاد به نشرها می‌شـود. اما انگار نه‌تنها کمکی از سوی ارشاد صورت نمی‌گیرد، بلکه اتفاقاً نمایشـگاه از طرق مختلف برای وزارت ارشـاد سـودده اسـت. برای غرفه نشـرهای کوچک تا متوسـط، بیـن ۲ تا ۴ میلیـون اجاره گرفته می‌شـود و هرچه غرفه بزرگتر شود، به همان نسبت اجاره بالاتر می‌رود. غرفه‌هـای تبلیغاتی و اغذیه هـم اجاره داده می‌شـوند. از طرفی معمولاً یک بانک حامی مالی اسـت. این روند باعث می‌شـود درنهایت برای وزارت ارشاد چندده میلیارد سـود ایجاد شود. سـوالی که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا در این شـرایط برای یک ناشـر کوچک صرفه اقتصـادی دارد که در این ماراتن شـرکت کند؟ حسـین جاوید درباره این سـوال می‌گوید: «هر ناشری برای اینکه بتواند در نمایشـگاه غرفه بگیرد، حداقل به چاپ ۴۰ عنوان کتاب در پنج سـال اخیر نیاز دارد. طبیعتاً ناشـری که به این حجم از انتشـار کتاب رسـیده باشـد، حتماً درآمدی دارد که بتواند از عهده مخـارج کوچکتر مانند اجاره غرفه برآید. اگر هم نتواند دیگر براسـاس حسـاب و کتاب خودش است که ببیند نمایشگاه برای او نفع مادی و معنوی دارد یا نه. مثلاً بعضی از نشرها با هدف برندسازی در نمایشگاه حضور پیدا می‌کنند.» موضوع دیگر ماجرای بُن کتاب اسـت که برای بخشی از قشرهای جامعه در نظر گرفته می‌شود. بُن کتاب تا پیش از مجازی‌شـدن نمایشـگاه محلی برای ایجاد فساد بود. برخی ناشـرها بن‌ها را نقد می‌کردند یا از یارانه کتاب‌ها سوءاسـتفاده می‌کردند. اما بعد از سـال ۱۳۹۹ بُن‌ها فقط به‌صورت مجازی قابل اسـتفاده بودند تا فساد حاصل از آن کم شـود. جاوید در توضیح این موضوع و تمهیدات دولت جدید می‌گوید: «امسال شنیده شـده زیرساختی دارد فراهم می‌شود، هم در بخش مجازی و هم حضوری که فساد در استفاده از بُن‌ها و یارانه‌ها به حداقل برسد.»

نمایشگاه کتاب واقعاً مفید است یا مضر؟

در حاشـیه هـر رویـداد فرهنگـی، عـلاوه بر نـکات مثبت همیشـه نقطه‌ضعف‌هایـی وجـود دارد که مـورد نقد قـرار می‌گیرد. عـلاوه بر آن مخالفان و موافقانی هم وجود دارند که به تناسـب از آن طرفداری یا انتقاد می‌کنند. اما همیشـه این سوال مطرح اسـت که آیا نمایشگاه کتاب واقعاً مفید است یا مضر. در این میان کتاب‌فروشی‌ها معتقدند، نمایشگاه مضر اسـت و تنها باید محلی برای نمایش باشـد، نه فروش. زیرا به کسـب‌وکار کتابفروشی‌های سطح شهر لطمه وارد می‌کند. جاوید که حالا سال‌هاست در میـان این کشـمکش حضور دارد، معتقد اسـت: «نتیجـه این انتقاد، مخاطب سرگردان اسـت.» مخاطب یک‌سال تصمیم می‌گیرد نرود و سال بعد ترجیح می‌دهد حضور داشـته باشـد. درواقـع او نمی‌داند که دارد به کتابفروشی‌ها آسیب می‌زند یا نه. اما در تحلیلی دیگر وقتی موازنه درستی میان تعداد کتابفروشی‌ها و ناشـران نیست، انتشارات هم از عرضه برخی کتاب‌هایـش در طول سـال باز می‌ماند. صاحب انتشـارات سـده به این عدم‌توازن هم اشـاره می‌کند: «ارشاد می‌گوید بالغ بر ۲۰ هزار مجوز نشر صادر کرده‌ایم. اما واقعیت این اسـت که شـاید حدود دو هزار ناشـر فعال و نیمه‌فعال داریم و تقریباً هزار کتابفروشـی فعال در سـطح کشور. معمولاً در همه دنیا تعداد کتابفروشـی‌ها چند برابر ناشـران است. در این شرایط معمولاً ناشران کوچک، متوسط و حتی بزرگ، این امکان را پیدا نمی‌کنند که کتاب‌های‌شـان را در کتابفروشـی‌ها عرضه کنند. کتابفروشـی‌ها هم معمولاً کتاب‌های خوش‌فروش و کم‌ریسک‌تر را می‌فروشند. اما نمایشگاه این شـرایط را فراهم می‌کند که این دسته از کتاب‌های جامانده از چرخه عرضه در کتاب‌فروشی‌ها هم دیده شوند و به فروش برسند.»

اما موضوعی که مهم اسـت، بازنگری در زنجیره پخـش و فروش کتاب در ایران اسـت. براساس گفته این فعال حوزه نشـر: «زنجیره دچار مشکل شده و تسویه‌حسـاب‌های طولانی‌مدت، حدود ۶ تا ۸ ماهه باعث می‌شود که ناشر نقدینگی نداشته باشد. مثلاً ناشر امروز کتابش را چاپ کرده و هزارتا فروخته. اما طول می‌کشد تا این پول به او برسد. اگر بخواهد فردا کتاب را به چاپ دوم برسـاند، باید پول چاپ دوم را نقدی پرداخت کند. این وقفه‌ای که بین فروش و تسویه به وجود آمده، باید بازنگری شود. این وقفه ضربه‌زننده است، بنابراین نمایشـگاه شبیه یک مُسکن عمل می‌کند که ناشرها نقدینگی‌شان را برطرف کنند و به حیات‌شان ادامه بدهند.» البته این موضوع درباره نشرهای کوچک صدق می‌کند. اگر نمایشگاه برگزار نشود، ناشرهای کوچک حذف می‌شوند، ناشـرهای متوسـط تضعیف می‌شـوند و تنها ناشـرهای بزرگ می‌مانند. این شرایط به‌ضرر همه مخصوصاً کتابفروشی‌هاست؛ زیرا وقتی صنفی انحصاری می‌شود، این بازیگران اصلی هستند که قواعد را تعیین می‌کنند.

سینمای جهان

شهر سیاه و خاکستری

ویرانی یک بازگشت موفق برای گرت ایوانز است

امیرحسین صدقی
فعال ارتباطات
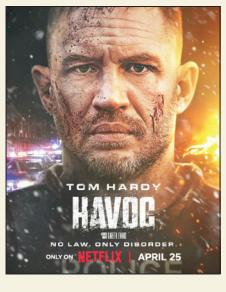
فیلـم «ویرانی» (Havoc)، بـه کارگردانی گرت ایوانز و با نقش‌آفرینی تام‌هاردی، یکی از موردانتظارترین آثار اکشن سال ۲۰۲۵ بود که پس از مدت‌ها تأخیر سرانجام توسط نتفلیکس منتشر شد. گرت ایوانز که بیشتر با فیلم‌های نفس‌گیر و خشـونت‌بار «The Raid» شناخته می‌شود، این‌بار نیـز در «ویرانی» به همان زبان سـینمایی وفادار مانده است، اما این‌بار با روایتی خاکستری‌تر، پیچیده‌تر و حتی شخصی‌تر از قبل. داستان فیلم در بطن یک شهر سرد و پرآشوب شکل می‌گیرد؛ جایی که کاراگاه توماس واکـر (تام هاردی) پس از یک معامله مواد مخدر نافرجام وارد زنجیره‌ای از رویدادهای خشـن و پرده‌برداری از یک شبکه فساد دولتی و مافیایی می‌شـود. واکر نه قهرمان است، نه ضدقهرمان، بلکه بازمانده‌ای خسته از سیستمی آلوده است که حتی نمی‌داند برای چه می‌جنگد، جز بقا و شـاید تلافی. روایت فیلم بر محور نجات پسر گمشده یک سیاسـتمدار می‌چرخد، اما این تنها پوششی است بـرای نمایش یک پازل چند لایه از دروغ، قدرت و تباهی نظام‌مند. ایوانز در طراحی داسـتان، بیشـتر به ساختار اپیزودیـک وفادار مانـده و فیلم عملاً بـه مجموعه‌ای از درگیری‌ها و لحظات تنش‌زا تقسـیم شـده که هر کدام بخشـی از زخم‌های شـهر و واکر را آشکار می‌کنند. این انتخاب ممکن اسـت در نگاه نخست سـاختار روایت را پاره‌پـاره جلوه دهد، امـا در بافت فیلم، مانند قطعاتی از یک پازل به‌تدریج به یک کل معنادار منتهی می‌شـوند. مهم‌ترین نقطه قـوت «Havoc» بی‌تردید کارگردانی آن است. گرت ایوانز اسـتاد طراحی صحنه‌های اکشن در فضاهای بسـته و شـلوغ اسـت، و این مهارت را به اوج تازه‌ای رسانده است. نحوه حرکت دوربین، تدوین خشن و پویا، و هماهنگی بازیگـر با محیط، همگی در خدمت القای حس فرسـودگی، خشـونت فیزیکی و خستگی روانی قـرار گرفته‌اند. یکـی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این فیلم، اسـتفاده مداوم از لانگ‌تیک‌هایی اسـت که دوربیـن، بدون بریدن نما، درگیری‌هـا را دنبال می‌کند. در یکی از سکانس‌های به‌یادماندنی، واکر از یک راهروی تاریک عبور می‌کند و با چندین دشـمن مبارزه می‌کند، در حالی که دوربین به‌گونـه‌ای ارگانیک حرکت می‌کند که مخاطب احسـاس می‌کند خودش در صحنه حضور دارد. این لحظات یادآور «The Raid» هستند اما پخته‌تر، کنترل‌شده‌تر و کمتر وابسته به اکشن صرف. همچنین، استفاده از رنگ‌های سرد، طراحی صحنه‌های پرجزئیات و نورپردازی با کنتراست بالا، فضای شهری و آشفته فیلم را بسیار ملموس و تهدیدآمیز کرده است. برخلاف بسیاری از فیلم‌های اکشـن هالیـوودی، در «Havoc» خبری از صحنه‌های پرزرق و برق نیست؛ همه چیز خام، سخت و خاکستری است - درست مثل دنیای واکر. تام هاردی در نقش واکر، باز هم نشان می‌دهد که استاد بازی در قالب مردان شکسته و آسـیب‌دیده است. واکر نه دیالوگ‌های زیادی دارد، نه احساساتش را بیرون می‌ریزد، اما هاردی با زبان بدن، نگاه‌هـا و مکث‌های طولانی، دنیای درونی شـخصیت را به تصویر می‌کشـد. او نه یـک ابرقهرمان است، نه حتی مردی اخلاق‌گرا؛ بلکه مردی است که در خرابه‌های اخلاقی جهان اطرافش گیر افتاده و فقط برای زنده ماندن می‌جنگد. از دیگر بازیگران، فارسـت ویتاکر در نقش یک مأمور فاسـد پلیس، و تیموتی اولیفانت در نقش سیاسـتمداری دوچهره نیز عملکـرد قابل قبولی دارند، هرچند فیلم بیشـتر از آنکه کاراکترمحور باشـد، فضا و کنش‌محور است. فیلم پس از اکران با بازخوردهای نسبتاً مثبت همراه بود. منتقدان صحنه‌های اکشن، بازی هاردی و فضاسازی فیلم را تحسین کردند اما برخی نیز از روایت نسبتاً سطحی و نبود عمق کافی در پرداخت برخی شخصیت‌ها انتقاد داشتند. با این حال، بسیاری فیلم را یک بازگشت موفق برای گرت ایوانز دانستند. درواقع فیلم «Havoc» همان چیزی اسـت که از ترکیب گرت ایوانز و تام هاردی می‌توان انتظار داشت: فیلمی خشن، تاریک و از نظـر فنی درخشـان. اگر به دنبال یک فیلم پرتعلیق با صحنه‌های اکشـن باورنکردنی هستید و می‌خواهید تصویری متفاوت از فسـاد و بقا در دل یک شـهر فاسـد ببینید، «ویرانی» ناامیدتان نخواهد کرد. شاید داستانش ساده به‌نظر برسد، اما در اجرا، یکی از قوی‌ترین آثار اکشن چندسال اخیر است.